

تأثیر کاروان‌های زیارتی و دفن مردگان در عتبات عالیات بر مناسبات ایران و عثمانی (۱۲۶۴-۱۳۴۳ ق)

شهرروز ماشینیچی ماهری^۱

(دریافت مقاله: ۹۵/۰۳/۱۸ - پذیرش نهایی: ۹۵/۱۱/۰۵)

چکیده

انتظار می‌رفت پس از انعقاد عهدنامه ارزروم دوم در ۱۲۶۳ هـ ق / ۱۸۴۷ م میان ایران و عثمانی، اختلاف مرزی و نیز منازعه بر سر تسلط بر عتبات، فروکش کند. اما رفت و آمد کاروان‌های زیارتی ایرانی که گاه جنازه‌هایی برای دفن در عتبات همراه داشتند، مشکلات تازه‌ای پیش روی دو دولت ایجاد کرد. مأموران مرزی عثمانی از ورود اجساد به عتبات به بهانه ترس از شیوع بیماری‌هایی چون وبا، حصه و طاعون جلوگیری و مسافران را در خانقین قرنطینه می‌کردند. رفتار ناپسند این مأموران با زائران ایرانی، موجب بروز مشکلاتی در مناسبات دو کشور شده بود. در این مقاله با روش تاریخی تحلیلی، مشکلات سیاسی و اجتماعی و اقتصادی برآمده از حمل اجساد به عتبات عالیات، در مناسبات دو کشور، بررسی شده است. آغاز دوره جدیدی از درگیری‌های شیعی - سنی، تحیمل هزینه‌های اضافی بر زائران به سبب قرنطینه و تعرفه‌های گمرکی و افزایش جمعیت و نفوذ شیعیان در عراق به بهانه همراهی با اجساد، بخشی از پیامدهای، منازعه جدید بود.

کلید واژه‌ها: ایران و عثمانی، دفن اموات، عتبات عالیات، کاروان‌های زیارتی

مقدمه

پس از استقرار حکومت شیعی مذهب صفویه در ایران، تسلط بر عتبات عالیات که از مراکز مذهبی مهم شیعیان بود و قبور امامان شیعه در آن قرار داشت، همواره یکی از موضوعات اصلی مورد منازعه ایران و عثمانی بود. به علاوه رفت و آمد کاروان‌های زیارتی ایرانی به عتبات عالیات، اقامت برخی از ایرانیان در این شهرها، حضور علما و مراجع تقلید شیعی در نجف و دیگر شهرهای عراق، ارسال موقوفات و نذورات و حمل جنازه‌ها برای دفن در شهرهای مقدس عراق، مهم‌ترین چالش‌ها در مناسبات دو کشور بود (رحمانیان، ۲). علاقه روزافزون ایرانیان شیعی مذهب، در سال‌های پایانی حکومت قاجار، به دفن مردگان خود در عتبات، حمل اجساد به عراق را نه تنها به تجارتی پر سود تبدیل کرده بود، بلکه موجب بروز تنش میان مأموران ایران و عثمانی و نیز اتباع شیعی عثمانی در عراق، با این دولت، شده بود (نفیسی، ۶۱).

پس از سقوط دولت صفویه در سال ۱۱۳۵هـ.ق / ۱۷۲۲م و انتقال مرکز علمی و فقهی شیعه از اصفهان به کربلا و سپس نجف، ورود گسترده شیعیان به عراق، موجب اهمیت یافتن عتبات و تقویت موضع علما شیعه در برابر حکام عثمانی شد (Litvak, 23). همچنین حملات وهابی‌ها به شهرهای کربلا و نجف و تحریک احساسات مذهبی شیعیان (کوهستانی‌نژاد، ۷۸) و تغییر مذهب گسترده قبایل عراق به تشیع (حیدری، ۱۰۸) و نیز بهبود نسبی مناسبات دولت‌های ایران و عثمانی بعد از معاهده ارزروم دوم (نجار، ۵۸)، موجب شد تا عتبات، برای دولت‌های ایران و عثمانی، اهمیت یابد. براساس عهدنامه ارزروم دوم در ۱۶ جمادی الثانی ۱۲۶۳هـ.ق / ۱۲ مه ۱۸۴۷م، مقرر شد زائران ایرانی از هر گونه ظلم و سختگیری مأموران عثمانی در امان باشند و امکانات آسایشی و رفاهی برای آنها فراهم شود (مشایخ فریدونی، ۵۸). با این حال رفت و آمد گسترده زائران ایرانی و حمل جنازه‌های مردگان خود به عتبات، مانع بهبود مناسبات دو دولت شد، به گونه‌ای که این مشکل، تا اواخر حکومت قاجاریه و تجزیه قلمرو عثمانی همچنان ادامه داشت.

درباره دفن مردگان ایرانی شیعی در عتبات و نیز تأثیر آن بر مناسبات ایران و عثمانی مقالاتی نوشته شده است. از جمله می‌توان به این مقالات اشاره کرد: «نعش کشی به عتبات (رقابت ایران و عثمانی در عراق سده ۱۹ میلادی)» اثر صبری آتش، این مقاله درباره نقاط مرزی میان ایران و عثمانی و نیز نقش کردها در این مناطق مطالب مفیدی دارد و نویسنده کوشیده است دلایل حمل جنازه‌ها به عتبات و نیز دشواری‌های

این کار را بررسی کند. در مقاله «جایگاه عتبات عالیات در مناسبات ایران و عثمانی در عصر قاجار» اثر داریوش رحمانیان و ثریا شهسواری، گزارش‌های سودمندی درباره انتقال اجساد ایرانیان به عتبات فراهم آمده است. انور ضیاء کارال و منیر اکتیپ، پژوهشگران ترک نیز در آثاری که به ترتیب با نام *تاریخ عثمانی و مناسبات ایران و عثمانی* نوشته‌اند، مباحثی درباره حمل اجساد و تأثیر آن بر مناسبات دو کشور دارند.

گزارش‌های موجود نشان می‌دهد که شمار زائران ایرانی به عتبات بویژه در دوره قاجار بسیار زیاد بوده است. به نوشته چارلز عیسوی یکصد هزار نفر در هر سال از ایران برای زیارت به عتبات می‌رفتند (عیسوی، ۱۹۷). اوژن اوبن شمار این زائران را چهارصد هزار نفر ذکر کرده است (اوبن، ۳۸۶). بنابر گزارش روزنامه *حبل‌المتین*، در ذی الحجه سال ۱۳۱۸ ق، روزانه پانصد یا ششصد نفر از زائران ایرانی به شهرهای مقدس عراق وارد می‌شده‌اند (*حبل‌المتین*، شماره ۳۴). بدیهی است که شمار زائران، در دوران جنگ و صلح میان ایران و عثمانی، متفاوت بوده است. پس از انعقاد عهدنامه ارزروم دوم، شمار زائران ایرانی، به چندین برابر افزایش یافت، اما پس از بروز اختلاف میان دو دولت بر سر تحدید مرزها و مسئله قطور، به سبب بدرفتاری‌های مأموران عثمانی، دولت ایران به مدت چهار سال رفت و آمد کاروان‌های زیارتی را به عتبات، ممنوع کرد (معمد، ۱۶۹/۲).

زائران ایرانی که به عتبات عالیات عزیمت می‌کردند، چهار دسته بودند:

نخست کسانی که تنها به قصد زیارت شهرهای مقدس، راهی عراق می‌شدند که خود، سه گروه بودند: غنی، متوسط‌الحال و فقیر. براساس گزارش تامسون مأمور انگلیس در بغداد (۱۲۹۳ هـ ق / ۱۸۷۵ م)، طبقه اغنیاء که شامل شاهزادگان، مقام‌های دولتی و افراد خاندان سلطنتی بودند، در طول سفر زیارتی خود، مخارج زیادی داشتند، هر کدام از اغنیاء به طور متوسط از خانقین تا شهرهای مقدس عراق و برگشت مجدد به خانقین، دویست تا سیصد تومان هزینه می‌کردند. میانگین مخارج زندگی سه طبقه فوق‌الذکر، برای هر نفر بیست تومان و در کل، دو میلیون تومان در سال بود (جونز، ۱۹۷). **دوم** بازرگانانی که به بهانه زیارت و به هدف تجارت و داد و ستد، راهی شهرهای مقدس عراق می‌شدند. زهیر لباف، صادرات نامرئی عراق را که رونق و شکوفایی بازارها را به دنبال داشت، حاصل مسافرت زوار ایرانی می‌داند که هر ساله یک یا دو نوبت برای زیارت و تجارت، به این نواحی روی می‌آوردند. هزینه زائران ایرانی در عراق، سالانه به طور متوسط پنجاه میلیون دینار معادل ده میلیارد ریال، تخمین زده شده است (لباف، ۲۹).

سوم حجاج ایرانی که در مسیر مکه، به زیارت عتبات عالیات نیز می‌رفتند. **چهارم** گروهی از زائران ایرانی که به سبب قرار گرفتن عتبات در خاک عثمانی، به حمل جنازه توسط کاروان‌های زیارتی جهت دفن در اماکن مقدسه، اقدام می‌کردند.

به سبب مخارج هنگفت زائران ایرانی و نیز خطرات موجود در راه‌ها، مانند سرقت اموال کاروانیان به توسط راهزنان یا دشواری‌های دیگر، تأسیس مراکزی جهت دریافت هزینه‌های سفر، در مناطق مرزی یا در عتبات عالیات، اجتناب ناپذیر بود. از این رو مراکزی به نام صرافخانه، جهت ارائه خدمات مالی به زائران در نواحی مرزی یا عتبات، دایر گردیده بود (نک: سن‌های شماره ۱ و ۲).

تا پیش از جنگ اول جهانی، معمولاً زائران ایرانی از دو طریق وارد عراق می‌شدند: نخست از شمال غرب ایران با عبور از شهرهای تهران، همدان، کرمانشاه، خانقین و سپس بغداد، کاظمین، سامرا و کربلا و نجف (Nakhash, 62). همه زائرانی که از قفقاز، آذربایجان، سواحل جنوبی دریای خزر، خراسان، افغانستان و مرکز ایران، عازم می‌شدند، از کرمانشاه می‌گذشتند (کلهر، ۱۴۰). مسیر دوم از جنوب ایران و از طریق خلیج فارس به بندر بصره و سپس عتبات منتهی می‌شد (دادفر، ۲۹). کنت دوسرسی، که در سال ۱۲۵۵ ه.ق به ایران سفر کرد، درباره کرمانشاه و مسیر عبور کاروان‌های زیارتی و تجارتی و حمل جنازه از طریق این شهر، گزارش‌های جالب توجهی ارائه کرده است (دوسرسی، ۲۲۶). علاوه بر زائران، هر ساله ده‌ها هزار جنازه نیز از طریق کرمانشاه وارد شهرهای مقدس عراق می‌شد (گروته، ۸۲). عبور زوار از کرمانشاه در نابسامانی‌های ناشی از انقلاب مشروطیت، نه تنها کاهش نیافت، بلکه افزایش چشمگیری داشت (همان، ۹۸؛ اوبن، ۳۴۰؛ دور ششوار، ۱۷۷؛ کلهر، ۱۴۰).

علاوه بر مشکلات موجود در راه‌ها، بی‌نظمی و عدم نظارت دقیق از سوی کارگزاران عثمانی در مسائل گمرکی نیز همواره مسافران را آزار می‌داد و موجب اعتراض حکومت ایران به عثمانی‌ها می‌شد (کارتن، ۱۰۹). در کنار تعرض مأموران عثمانی و تلاش برای دریافت حق گمرک بیشتر یا سخت‌گیری در تذکره‌ها (نک: سند شماره ۳)، اوضاع نامناسب بهداشتی نیز بر مشکلات زائران می‌افزود و گاه موجب می‌شد کاروان‌های زیارتی چندین روز در قرنطینه نگه داشته شوند (درینگل، ش ۲). افزایش جمعیت شیعی در قلمرو عثمانی نیز موجب می‌شد که حاکمان عثمانی، محدودیت‌هایی برای زائران ایجاد کنند و از طول دوره اقامت آنها در عتبات، بکاهند (دهقان‌نژاد، ۳).

اشتیاق فزاینده ایرانیان شیعی برای دفن مردگان در عتبات، حمل اجساد را نه تنها به تجارتی پر سود تبدیل کرده بود، بلکه موجب بروز تنش میان دولتمردان ایران و عثمانی از یک سو و اتباع شیعی ساکن در قلمرو عثمانیان با حکمرانان، از سوی دیگر شده بود (نفیسی، ۶۱). جنازه‌ها و استخوان‌هایی که با تشریفات ویژه، به عراق برده می‌شدند، موجب برقراری ارتباط و پیوند حکومت و جامعه شیعی ایران با اتباع شیعی عثمانی شده بود. همچنین این اجساد به اختلاف و درگیری میان حکومت عثمانی و دولت ایران زده بود. نگهداری جنازه متوفی تا فرارسیدن زمان مناسب برای حمل به عراق، رسمی رایج بود (فیاضی، ۸۳). این عمل، مشکلات و پیامدهای منفی وحشتناکی داشت. برخی از جنازه‌ها چندین ماه یا گاه چند سال، برای فرارسیدن زمان مناسب جهت حمل به عراق، بر زمین می‌ماندند که به سبب شرایط بد نگهداری، مشکلات زیادی ایجاد می‌کردند (عباسی، ۸۳). هر چند حمل این اجساد، برای عثمانیها درآمدا بود، اما مشکلات بهداشتی و شیوع بیماری‌هایی چون وبا، موجب نگرانی جدی آنها می‌شد. عدم رعایت بهداشت از سوی کاروان‌های زیارتی در حین حمل اموات و طولانی بودن مسیر و گرمای هوا، موجب رواج بیماری‌های مسری می‌شد. گاهی نیز زائران ایرانی به بیماری‌های رایج در عراق مبتلا می‌شدند و آن را با خود به ایران می‌آوردند. شیوع وبا در ۱۲۹۴ ق / ۱۸۷۷ م در عراق، به سبب آلودگی آب فرات، موجب ابتلاء برخی از زائران ایرانی به این بیماری شد (Burrell, 18-29).

پس از انعقاد عهدنامه ارزروم دوم، انتقال جنازه‌ها، افزایش یافت. بر اساس گزارش کار پرداز ایران در بغداد در ۱۲۹۰ ش، بیست هزار جنازه به عتبات برده شد. برای عبور هر جنازه در خانقین، دوازده قران و برای دفن آن در قبرستان‌های عمومی کربلا و نجف هشت تا چهارده قران، گرفته می‌شد (کارتن ۱۶۲).

هانری بایندر (۳۸۲)، لایارد (۱۲۵) و اوژن اوبن (۳۳۹) گزارش‌هایی درباره چگونگی حمل اجساد، نمود پیچ کردن و حمل در تابوت و نیز بوی متعفن آن ارائه کرده‌اند. اصلی‌ترین مشکل حمل اجساد، وضع نابسامان بهداشتی بود که در نهایت به تغییر این رسم منجر شد^۱. کارگزاران عثمانی برای جلوگیری از شیوع بیماری‌ها، در مرزهای ایران

۱. در سال ۱۲۵۳ ق / ۱۸۳۷ م، بلافاصله پس از شیوع بیماری وبا در استانبول، اولین دستگاه‌های قرنطینه در اطراف شهر تأسیس شد. پانزده سال بعد در ۱۲۶۸ ق / ۱۸۵۲ م کمیسیون عالی قرنطینه Higher commission of Quarantine و دیوان عالی قرنطینه Higher Quarantine Bureau تأسیس ←

و عثمانی، ایستگاه‌های قرنطینه ایجاد کردند. همه زوار ایرانی چندین روز در این مکان‌ها نگهداری می‌شدند و پزشکی از هر دو کشور، به معاینه آنها و ارائه خدمات بهداشتی می‌پرداختند.^۱ در قرنطینه، به زوار لباس‌های ویژه می‌پوشاندند و لباس‌های خودشان را ضد عفونی می‌کردند و پس از اطمینان از سلامت آنها، اجازه ورود می‌دادند. تنگی جا، اوضاع نامناسب بهداشتی و طولانی شدن دوره قرنطینه که گاه به پانزده روز می‌رسید، موجب اعتراض زوار و کارگزاران دولت ایران می‌شد (Ates, 81). میرزا حسین خان مشیرالدوله سفیر ایران در استانبول، در نامه‌ای به دولت ایران، به انواع بی‌حرمتی‌های مأموران دولت عثمانی نسبت به زائران، اشاره کرده است (معتمد، ۶۹). در شوال ۱۲۸۷ ق/فوریه ۱۸۷۰ م قراردادی میان میرزا حسین خان مشیرالدوله و والی بغداد، مدحت پاشا بسته شد و بر اساس آن برخی از مشکلات زائران برطرف گردید (سند شماره ۴؛ نیز طباطبایی مجد، ۳۶۲). در نتیجه، دولت عثمانی تا ۱۲۹۲ ق/۱۸۷۵ م در ورودی‌های اصلی در خانقین، قصر شیرین و بصره چهار ایستگاه قرنطینه و آسایشگاه‌های متعدد ساخت (Ates, 81).

نظارت بیشتر بهداشتی و کوشش مأموران عثمانی برای معاینه و تفتیش زائران و جنازه‌های همراه آنها، مشکلات میان دو دولت را مرتفع نکرد؛ زیرا بسیاری از کاروان‌های حامل جنازه از راه‌های غیر رسمی و به صورت قاچاق، اجساد را به عتبات می‌بردند. بنابر گزارش کارپرداز ایران در بغداد، با آن که قراردادی میان دولت‌های ایران و عثمانی درباره حمل جنازه‌ها منعقد شده بود، صاحبان جنازه، رعایت این اصول را نمی‌کردند (کارتن، ۱۴).

نگهداری و حمل و نقل جنازه‌ها، از عوامل مهم شیوع برخی از بیماری‌های واگیردار و مهلک چون طاعون، وبا و حصیه بود (بل، ۵۴). از این رو جنازه‌ها را در نمود می‌پیچیدند و با دو میله از پهلو محکم می‌کردند، آنگاه به صورت افقی بر روی قاطر می‌گذاشتند. معمولاً کار حمل بر عهده خود چهار پا دار (قاطرچی) بود. گاهی هم گروهی از خدمه و غلامان به همراه جنازه می‌رفتند (پولاک، ۲۵۰). جنازه اعضاء خانواده

→ شدن. سپس سلطان عثمانی از دولت اتریش خواست که برای کمک به ایجاد ایستگاه‌های قرنطینه در سراسر استان‌های عثمانی، عده‌ای از افراد با تجربه را به عثمانی اعزام کند و با مشارکت قدرت‌های اروپایی، شورای بهداشت قسطنطنیه Constantinople council of Health تأسیس شد و نمایندگان اروپا در شورا، برای رسیدگی به شکایات مکرر از کشورهای اروپایی، به عضویت شورا، درآمدند (Ates, 1-2).

۱. در سال ۱۳۱۸ ق معتمد السلطان احتشام الحکماء از سوی دولت ایران برای بررسی وضعیت بهداشتی زوار و جنازه‌ها به قصر شیرین اعزام شد (کارتن ۸).

سلطنتی و شخصیت‌های برجسته (سند شماره ۵)، همانند انیس الدوله همسر ناصرالدین شاه، بلافاصله پس از فوت و بدون در نظر گرفتن قرارداد فوق، منتقل می‌شد (کارتن ۶).
 مأموران عثمانی در قرنطینه خانقین، چندین روز جنازه‌ها را نگه می‌داشتند و به بسیاری از جنازه‌هایی که کمتر از سه سال از فوت آنها می‌گذشت، اجازه ورود به خاک عثمانی نمی‌دادند. ضروری بود که جنازه برای این که اجازه ورود بگیرند در صندوق مخصوص گذارده شوند. گاه جنازه‌هایی را که اجازه ورود نمی‌یافتند، دسته جمعی دفن می‌کردند یا اگر علائم بیماری‌هایی چون طاعون و وبا دیده می‌شد، آنها را می‌سوزاندند. بدیهی است که این اقدام، موجب نارضایتی مردم و علما و دولت ایران، می‌شد (گزیده اسناد سیاسی ایران و عثمانی، ۴۰/۵).

مالیاتی که کارگزاران عثمانی به بهانه‌های مختلف بر جنازه‌ها می‌بستند نیز موجب نارضایتی و اعتراض دولت ایران می‌شد. هزینه‌ای که مأموران عثمانی بابت قرنطینه جنازه و اعطای شهادت نامه^۱ از زائران می‌گرفتند متفاوت بود و گاه به ۵۰۰۰ دینار می‌رسید (مشکوه السلطان، ۵۱). دریافت این هزینه که «مالیات بهداشتی» نام داشت، در سال ۱۲۹۳ ق/ ۱۸۷۶ م در قوانین گمرکی بهداشت، در عثمانی تصویب شد. بر اساس این مصوبه مقرر شد از هر جنازه به میزان ۵۰ پیاستر (قروش) و از هر زائر یا مسافر، ده پیاستر دریافت شود (Ates, 83). اما این قانون، لزوماً به توسط مأموران اجرا نمی‌شد. در نامه کنسولگری ایران در بغداد خطاب به وزارت امور خارجه، به دریافت مکرر مالیات از زوار و صاحبان جنازه به بهانه‌های مختلف اشاره شده و از سفیر ایران در استانبول درخواست کرده است که برای جلوگیری از این بدعت، با کارگزاران دولت عثمانی مذاکره کند: «... با این که جنازه در کرمانشاهان به مهر طبیب صحیه عثمانی می‌رسید و بیست و یک قران هم پول می‌دهند، مجدداً جنازه را در خانقین باز نموده و در کمال بی ادبی و بی احترامی مهر و لاک طبیب صحیه کرمانشاهان را می‌شکنند و از هر جنازه بیست و پنج هزار پول می‌گیرند و ثانیاً مهر و لاک می‌نمایند. همین طور دم دروازه کربلا چنین زحمت و ضروری می‌دهند و بیست و پنج هزار دیگر می‌گیرند...» (کارتن ۷).
 دریافت هزینه‌های زیاد بابت کفن و دفن اموات و قیمت بالای زمین نیز موجب

۱. پزشک عثمانی پس از آن که سلامت جنازه را تأیید می‌کرد بر صندوق مهر می‌زد. سپس صاحب جنازه نزد شهیندر می‌رفت و با پرداخت سه قران، شهادت نامه برای حمل دریافت می‌کرد. بر این شهادت نامه تمبری به مبلغ چهل قروش زده می‌شد.

نارضایی زائران می‌شد. قیمت قبرها بر اساس شهر و نیز محله متفاوت بود. (قایا، ۲۶۳). قیمت دفن جنازه در رواق حرم امام علی علیه‌السلام در نجف اشرف تا ۵۰ هزار قروش می‌رسید (همان، ۲۶۶). گاه از دولت ایران نیز عوارضی جهت دفن جنازه دریافت می‌کردند. حاکم شهر نجف برای هر جنازه، پانصد تومان از دولت ایران دریافت می‌کرد. هزینه کفن و دفن اموات نیز بین ده تا بیست تومان و گاه بیشتر بود (عباسی، ۳۴۴). بر اساس صورت جلسه کابینه مجلس عثمانی در سال ۱۳۰۹ق / اول ژوئن ۱۸۹۱م، عوارض دریافت شده جهت کفن و دفن، پس از کسر هزینه‌های حکومتی، ۲۰۰۰۰۰ قروش بوده است (Ates, 82). میرزا حسین خان مشیرالدوله سفیر ایران در استانبول نسبت به بالا بودن هزینه‌های دفن جنازه، به دولت عثمانی اعتراض کرد. در نتیجه از والی بغداد خواسته شد که موضوع این مالیات‌ها را بررسی و به دولت عثمانی گزارش کند (قایا، ۲۶۵). دولت عثمانی هزینه‌های تحمیل شده بر خود جهت ساخت و نگهداری ایستگاه‌های قرنطینه و پرداخت حقوق پزشکان و کارکنان اداری و گمرکی را دلیل وضع این مالیات‌ها می‌دانست (نفیسی، ۶۳). در دهه‌های پایانی حکومت عثمانی، دولت بر حمل و نقل و دفن جنازه‌ها نظارت بیشتری داشت و مدیریت آن را به اوقاف یا سازمان عمران واگذار کرد. سازمان اوقاف نیز این وظیفه را از طریق مزایده به دیگران واگذار می‌کرد. بازرگانانی که این وظیفه را بر عهده می‌گرفتند، نمایندگان خود را برای جمع آوری و حمل جنازه‌ها، به شهرها و روستاهای ایران می‌فرستادند. این نمایندگان گاه چندین ماه در ایران اقامت می‌کردند. مالیات دفن در عتبات، «دفینه» یا «تراپیه» خوانده می‌شد (همانجا). بر اساس آمار اداره بهداشت عمومی عثمانی در سال ۱۳۳۱-۱۳۳۰ق / ۱۹۱۲-۱۹۱۳م تعداد ۷۵۵۸ جنازه در نجف دفن شد (ناطق، ۲۷).

سخت‌گیری مأموران عثمانی، در ظاهر برای حفظ بهداشت و جلوگیری از شیوع وبا و طاعون بود، اما سودی که از این راه به خزانه دولت وارد می‌شد نیز در این سخت‌گیری‌ها بی‌تأثیر نبود (نفیسی، ۶۴). انتقال جنازه‌ها به نجف، موجب شد که این شهر از اهمیت زیادی برای شیعیان برخوردار گردد (قایا، ۲۶۵) و بر نفوذ و اعتبار مراجع شیعی در عراق افزوده شود. پس از تجزیه حکومت عثمانی و استعمار بریتانیا بر عراق، به تدریج، رسم حمل جنازه‌ها به عتبات از میان رفت. علمای تهران نیز با این بهانه که هزینه‌های پرداخت شده برای حمل و دفن جنازه‌ها، نصیب دولت بریتانیا می‌شود، فتاوی و احکامی درباره غیر جائز بودن این اقدام صادر کردند (Nakhash, 187).

نتیجه

انتقال اجساد شیعیان به عراق، بر مناسبات دولت‌های ایران و عثمانی تأثیر زیادی داشت. دولت عثمانی از رفت و آمد کاروان‌های زیارتی و حمل جنازه‌ها ناراضی بود، اما سود سرشاری که از این طریق نصیب آنها می‌شد، قابل چشم پوشی نبود و اقتصاد عتبات عالیات و همچنین ایالت بغداد را به شدت تحت تأثیر قرار داده بود. از این رو پایدارترین فعالیت‌های اقتصادی - مذهبی در نواحی مرزی ایران و عثمانی، حول این موضوع شکل گرفت. با این حال رفتار سخت و آزاردهنده مأموران مرزی عثمانی و بهانه‌گیری دولتمردان عثمانی، موجب نزاع دائمی میان ایران و عثمانی شده بود. این مشکل تا پایان حکومت‌های قاجاریه و عثمانی، ادامه یافت و حتی پس از تشکیل کشور مستقل عراق نیز در مناسبات دو کشور، تأثیر گذار بود.

منابع

- آتش، صبری، «نعش‌کشی به عتبات (رقابت ایران و عثمانی در عراق سده ۱۹ میلادی)»، ترجمه نازلی کامواری، *ایران نامه*، سال ۲۶، شماره ۱-۲، ۲۰۱۰.
- احتشام السلطنه، میرزا محمودخان، *خاطرات احتشام السلطنه*، چاپ سیدمحمد مهدی موسوی، تهران: زوار، ۱۳۶۹.
- اوبن، اوژن، *ایران امروز ۱۹۰۷-۱۹۰۶م*، ترجمه: علی اصغر سعیدی، تهران: زوار، ۱۳۶۳.
- بایندری، هانری، *سفرنامه*، ترجمه کرامت الله افسر، تهران: فرهنگسرا، ۱۳۷۰.
- بل، گرتود، *تصویرهایی از ایران*، ترجمه بزرگمهر ریاحی، تهران: خوارزمی، ۱۳۶۳.
- پولاک، یاکوب ادوارد، *سفرنامه پولاک (ایران و ایرانیان)*، ترجمه: کیکاووس جهانداری، تهران: خوارزمی، ۱۳۶۸.
- جعفریان، رسول، *میراث اسلامی ایران*، ج ۳، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۳۷۳.
- جونز، جفری، *تاریخ اقتصادی ایران*، تهران: موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی، ۱۳۸۷.
- حبل المتین*، سال ۸، شماره ۳۴، ۱۳۱۸ ه.ق.
- حیدری، ابراهیم فصیح، *عنوان‌المجد فی بیان احوال بغداد و البصره و نجد*، لندن: دارالحکمه، ۱۹۹۸.
- دادفر، سجاد، «تأملی بر نقش زائران ایرانی در رونق اقتصادی عتبات عالیات در نیمه نخست قرن بیستم»، *فصلنامه تاریخ روابط خارجی*، شماره ۴۲، بهار ۱۳۸۹.
- درینگل، سلیم، «مبارزه با تشیع در عراق دوران عبدالحمید دوم»، ترجمه نصرالله صالحی، *نامه تاریخ پژوهان*، سال ۱، شماره ۲، ۱۳۸۴.
- دورشنوار، ژولین، *خاطرات سفر ایران*، ترجمه مهراں توکلی، تهران: نشر نی، ۱۳۷۸.

- دوسرسی، لوران، *ایران در ۱۸۴۰-۱۸۳۹م*، ترجمه احسان اشراقی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۳.
- دهقان‌نژاد مرتضی و کثیری مسعود، «مروری بر تاریخچه مشکلات ایجاد قرنطینه در ایران در دوره ناصرالدین شاه»، *فصلنامه پژوهش‌های تاریخی*، شماره ۸، زمستان ۱۳۸۹.
- رحمانیان داریوش، شهسواری ثریا، «جایگاه عتبات عالیات در مناسبات ایران و عثمانی عصر قاجار»، *فصلنامه مطالعات تاریخ فرهنگی*، سال ۴، شماره ۱۳، پائیز ۱۳۹۱.
- طباطبایی مجد، غلامرضا، *معاهدات و قراردادهای تاریخی در دوره قاجاریه*، تهران: موقوفات دکتر ایرج افشار، ۱۳۷۳.
- عباسی محمدرضا، بدیعی پرویز، *گزارش‌های اوضاع سیاسی، اجتماعی ولایات عهد ناصری*، تهران: پژوهشکده اسناد، ۱۳۷۲.
- عیسوی، چارلز، *تاریخ اقتصادی ایران*، ترجمه یعقوب آژند، تهران: گستره، ۱۳۶۹.
- فیاضی، عمادالدین، «تأثیر خرافات و عقاید انحرافی بر گسترش بیماری‌ها در عصر قاجار»، *دو فصلنامه مسکویه*، نشریه گروه تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرری، سال ۶، شماره ۱۹، زمستان ۱۳۹۰.
- قایا، دیلک، *کربلاء فی الارشیف العثماني (۱۸۷۶-۱۸۴۰م)*، ترجمه حازم سعید منتصر و مصطفی زهران، بیروت: الدارالعربیة للموسوعات، ۲۰۰۸.
- کلهر، محمد، «بررسی موانع رشد شهرنشینی در کرمانشاه با تکیه بر عصر قاجار»، *دوفصلنامه مسکویه*، نشریه گروه تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرری، سال ۲، شماره ۷، تابستان و پائیز ۱۳۸۶.
- کوهستانی‌نژاد، مسعود، *چالش‌ها و تعاملات ایران و عراق در نیمه نخست سده بیستم*، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۸۴.
- گروته، هوگو، *سفرنامه گروته*، ترجمه مجید جلیلود، تهران: نشر نی، ۱۳۶۹.
- گزیده اسناد سیاسی ایران و عثمانی، ج ۳، تهران: وزارت امور خارجه، ۱۳۶۹.
- لایارد، هنری استون، *سفرنامه*، ترجمه سهراب امیری، تهران: انزال بال، ۱۳۷۶.
- لباف، زهیر، *عراق و روابط آن با ایران*، تهران: علمی، ۱۳۵۴.
- مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه، اسناد مکمل، کارتن ۱۱ سند شماره ۱۶، سال ۱۲۹۰ق.
- _____، کارتن ۱۰۹ / سند شماره ۱۴ / سال ۱۳۱۶ه.ق.
- _____، کارتن ۱۴ / سند شماره ۲۲۴ / تاریخ سند ۲۹ ذیحجه ۱۲۹۶ه.ق.
- _____، کارتن ۱۶۲ / سند شماره ۱۱ / سال ۱۲۹۰ه.ق.
- _____، کارتن ۶ / سند شماره ۱۱ / تاریخ سند ذیقعه ۱۳۱۹ ه.ق.
- _____، کارتن ۷ / سند شماره ۲۳ / سال.

_____، کارتین ۸ / سند شماره ۱ / ۱۳۱۸ ه.ق.

_____، کارتین ۱ / سند شماره ۸ / سال ۱۳۱۸ ه.ق.

مشایخ فریدنی، آذرمیدخت، *مسائل مرزی ایران و عراق و تأثیر آن در مناسبات دو کشور*، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۹.

مشکوة السلطان، علی اکبر، *مشکوة المسافرین*، چاپ هاشم محدث، تهران: میراث اسلامی ایران، ۱۳۷۶.

معتمد، محمود فرهاد، *تاریخ روابط سیاسی ایران و عثمانی*، ج ۲، تهران: ابن سینا، ۱۳۳۶.

ناطق، هما، *مصیبت وبا بلای حکوم*، تهران: گستره، ۱۳۵۸.

نجار، محمود، *الثورة الايرانية*، بیروت: دارالسمیر، ۱۹۸۰.

نفیسی، عبدالله فهد، *نهضت شیعیان در انقلاب اسلامی عراق*، ترجمه کاظم چایچیان، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۴.

ABRIA, "Bones of contention: Corpse Traffic and ottoman Iranian Rivalry in studies of south Asia, Africa and the middle", 30:3 (2010), 512-532.

Litvak, Meir, *The finances of the ulama communities of Najaf and Karbala*, knink lijke, bril, nv, 1999.

Nakhash, Yitzhak, *The Shi'ism of Iraq*, Princeton, N. J Princeton university press, 2003.





R. M. Burrell, *The 1904 Epidemic of cholera in Parsia: some Aspects of Qajar society*, 1989.

شماره سند: (۳)

شماره بازیابی: ۲۹۶/۷۶۷۵

موضوع سند: مجوز خروج زائران عتبات عالیات از ایران

شماره صفحه: ۱ محل نگهداری: سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران

شکل مشخصات	زادۀ عتبات	 <p>بنام هیاتون عالیحضرت شاه ایران جلد الله علیه</p>	تذکره مردری
سین ۳۲	نمره دفتر صفحه		نمره مرکزی ۲۹۰۹۲
محل اصلی رت	تاریخ ۱۳۲۵	نمره محلی ۱۴۰۴۳	نمره دفتر
محل تولد	حرف نورا	<p>دارنده این تذکره مردر از تبعه دولت علییه ایران است و در امور این نظامی و غیر نظامی دولت علییه عثمانی حدود و شعور مالک محروسه علییه معترض او نشده و از امور این نظامی و غیر نظامی دولت علییه عثمانی تسهیلات عبور و مدارا را فراموش نموده وادی اکتاجه را رعایت و طرف داری نمایند</p>	
عیال ۶	اولاد ۷	<p>از طرف وزیر امور خارجه رئیس کل اداره تذکره</p> 	رئیس کل اداره تذکره
علائق مخصوص	معرف شده بویژتظ	<p>دلت این تذکره یکسال است و بعد از انقضای مدت مذکور از درجه اعتبار ساقط است</p> <p>قسمتین تذکره کتبی ایران</p> 	دستنده این تذکره
نمونه خندان			

شماره سند: (۵) شماره بازیابی: ۳۵۵/۱۸۶
 موضوع سند: انتقال جنازه اموات افراد سرشناس و خاص
 شماره صفحه: ۱ محل نگهداری: سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران

